

## مطالعه اثربخشی خودمتمایزسازی بر افزایش خودکارآمدی

سولماز مبسم<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش:

تاریخ وصول:

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی اثربخشی خودمتمایزسازی بر افزایش خودکارآمدی دانش آموزان دختر می‌پردازد. فرضیه این پژوهش عبارت است از: آموزش خودمتمایزسازی بر افزایش خودکارآمدی مؤثر است. برای آزمون فرضیه ۳۰ نفر از دانش آموزان به طور تصادفی انتخاب شده و در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. ۱۰ جلسه آموزش خودمتمایزسازی برای گروه آزمایشی انجام شد و در مورد گروه گواه هیچ مداخله‌ای صورت نگرفت. ابزار اندازه‌گیری این پژوهش پرسشنامه خودکارآمدی می‌باشد که توسط شرر تهیه شده است. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون t برای گروه‌های مستقل استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان دادند که آموزش خودمتمایزسازی بر افزایش خودکارآمدی دانش آموزان مؤثر است.

واژگان کلیدی: خودمتمایزسازی، خودکارآمدی.

### مقدمه

بندورا<sup>۲</sup> (۱۹۷۷) خودکارآمدی را فرایندی شناختی می‌داند که ما از طریق آن بسیاری از رفتارهای اجتماعی و خصوصیات شخصی خود را گسترش می‌دهیم. از نظر پاجارز (۲۰۰۲) خودکارآمدی عبارت است از داوری فرد درباره‌ی قابلیت سازماندهی و اجرای دوره‌های عمل موردنیاز در جهت دستیابی و به ثمر رساندن سطوح عملکرد و پیشرفت طراحی شده

۱- کارشناس ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه علامه طباطبایی

خود. بندورا معتقد است رفتار آدمی عمدتاً یک رفتار خود نظم‌دهی<sup>۱</sup> است و میزان اطمینان فرد به خود کارآمدی اوست که معین می‌کند آیا در آینده با موقعیت‌های مشکل‌کنار خواهد آمد یا نه (بندورا، ۱۹۷۷). به عقیده بندورا (۱۹۹۷) ادراکات خود کارآمدی بر انتخاب فعالیت، استقامت در کار، سطح تلاش صرف شده و احتمالاً، میزان موفقیت نائل شده تأثیر می‌گذارد (کارسیا و دکاسو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶؛ رومانو<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). شکل‌گیری احساس خود کارآمدی تحت تأثیر عوامل مختلفی است که مهم‌ترین آنها اثرات خانواده و روابط حاکم بر آن است. از ابتدای کودکی، والدین و یا مراقبان تجاربی را فراهم می‌کنند که تأثیر مختلفی بر احساس خود کارآمدی کودکان دارد، وقتی خانواده به کودک کمک می‌کند تا بطور اثربخش با محیط برخورد کند تأثیر مثبتی بر تحول باورهای خود کارآمدی آنها می‌گذارد (بندورا، ۱۹۹۷). والدینی که تجاربی در حد تسلط یافتن و فرصت‌های محدودی را تدارک می‌بینند، نوجوانان و جوانان کارآمدتری دارند. پژوهش‌ها نشان داده که بین ابعاد ساختاری خانواده و تحول خود کارآمدی رابطه مثبتی وجود دارد (فلامر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵). اما باون در مورد الگوهای ارتباطی حاکم بر نظام خانواده طرحی را ارائه داده است که به نظر می‌رسد زمینه شکل‌گیری احساس خود کارآمدی را بطور منطقی توضیح بدهد.

بوون فرض کرد که افراد با «توده نامتمایز من خانوادگی»<sup>۵</sup> متولد می‌شوند و همچنان که در تعامل‌های خانوادگی شان برای متعادل کردن نیروی فردیت و با هم بودن تلاش می‌کنند، سطوح تمایزشان رشد می‌کند. بوون و کر در سال ۱۹۸۸ بیان کردند که تمایز در دو بعد درونی<sup>۶</sup> و بین شخصی<sup>۷</sup> اتفاق می‌افتد. در بعد درونی، تمایز به ظرفیت تشخیص بین احساسات و فرایندهای عقلانی و تناسب انتخاب بین آنها در موقعیت‌های لازم دلالت می‌کند. افرادی که می‌توانند افکارشان را از احساس فعلی‌شان به

1. Self-regulated behavior
2. Carcia & De Caso
3. Romano
4. Flammer
5. Undifferentiated Family ego mass
6. Intrapsychic
7. Interpersonal

خوبی متمایز کنند، قادر به تنظیم هیجانات خود نیز می‌باشند. همچنین، آنها به مفهوم ثابتی از خود دست می‌یابند و قادرند آشکارا اندیشه‌های شخصی خود را بیان کنند. تمایز در سطح بین شخصی مربوط به توانایی تجربه صمیمیت بدون زیر پا گذاشتن خودمختاری و تعادل مناسب این دو جنبه در روابط بین شخصی می‌شود. افراد خود متمایز قادرند که با دیگران تعامل و صمیمیت داشته باشند بدون این که هویت خود را از دست بدهند (کیم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). مفهوم دیگری که می‌تواند با خود متمایزسازی بسیار نزدیک و مترادف و با خود کارآمدی مرتبط باشد، مفهوم دلبستگی است. مطابق پژوهش بلاستین و فیلیپس<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۰ رابطه‌ی مثبت و معناداری بین سبک‌های دلبستگی و داشتن خود کارآمدی وجود دارد (نیلز<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). به علاوه لوپز دریافت که جدایی تعارض آمیز از والد والد جنس مخالف، مهم‌ترین پیش‌بینی کننده احساس خود کارآمدی است. در حالی که لوکاس دریافت که هیچ نشانی از ارتباط بین جدایی روان‌شناختی، با متغیرهای تصمیم‌گیری، خود کارآمدی، وجود ندارد (ابرین و همکارانش، ۲۰۰۰). در پژوهشی که به بررسی عملکرد معیوب خانوادگی، دلبستگی والدینی و خود کارآمدی تصمیم‌گیری شغلی بین ۱۶۸ دانشجوی سال اول و دوم دانشگاه می‌پرداخت، فلویید به نتایجی رسید که نشان می‌دادند، ترکیب متغیرهای عملکرد معیوب خانوادگی و دلبستگی به مادر بطور معناداری خود کارآمدی تصمیم‌گیری شغلی دانشجویان دانشگاه را پیش‌بینی می‌کند. رابطه منفی معناداری بین عملکرد معیوب خانوادگی و خود کارآمدی تصمیم‌گیری شغلی و رابطه مثبت معناداری بین دلبستگی به مادر و خود کارآمدی تصمیم‌گیری شغلی وجود داشت. نتایج برای زنان نشان داد که دلبستگی به مادر بطور معنادار اعتقادات خود کارآمدی تصمیم‌گیری شغلی را پیش‌بینی می‌کند و نتایج برای مردان نشان داد که ترکیب متغیرهای ساختار خانوادگی و دلبستگی بطور معنادار اعتقادات خود کارآمدی تصمیم‌گیری شغلی را پیش‌بینی می‌کند (فلویید<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). در پژوهشی که راش<sup>۵</sup> بر روی ۳۲۰ دانشجو در بررسی

1. Kim
2. Phillips, S.D.
3. Niles, S.G
4. Floyd, T.
5. Rush, C.L.

پویایی‌های رابطه خانوادگی و خودکارآمدی انجام داد، به این نتیجه دست یافت که رابطه مثبتی بین همبستگی خانوادگی و حل مسئله، برنامه‌ریزی شغلی برای آینده و خودارزیابی وجود دارد. علاوه بر این‌ها نتایج نشان دادند که رابطه مثبتی بین متغیرهای سازگاری و انسجام خانوادگی و خودکارآمدی شغلی افزایش یافته وجود دارد (راش، ۲۰۰۲). در پژوهشی که در بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های خودکارآمدی توسط گیاناکس<sup>۱</sup> انجام گرفت مشخص شد که راهبرد اتکاء به خود که در آن شخص از دیگران فاصله می‌گیرد، ارتباط معنادار و منفی با خودکارآمدی دارد (گیاناکس، ۲۰۰۱). در پژوهشی که جنکینز<sup>۲</sup> در بررسی تأثیر دل‌بستگی والدینی بر خودکارآمدی دانشجویان سال اول انجام داد نتایج بدست آمده نشان دادند که از سه ساختار دل‌بستگی والدینی - ارتباط، اعتقاد و بیگانگی - اعتقاد و بیگانگی رابطه معنادار پایینی با خودکارآمدی دارد و ارتباط والدینی هیچ ارتباطی با خودکارآمدی ندارد (جنکینز، ۲۰۰۴). با توجه به اهمیت مسئله خودکارآمدی در موفقیت‌های زندگی آینده از جمله ارتباطات انسانی، تصمیم‌گیری تحصیلی و شغلی، روبه‌رو شدن با مسائل که جزء لاینفک زندگی پیچیده امروزی به شمار می‌رود از سویی دیگر نتایج بسیار متفاوت درباره ارتباط دل‌بستگی و تمایز یافتگی با کارآمدی این سؤال برای محقق مطرح شده است که آیا آموزش خودمتمایزسازی می‌تواند بر افزایش خودکارآمدی مؤثر باشد؟ در راستای این سؤال فرضیه تدوین شده برای این پژوهش عبارت است از: آموزش خودمتمایزسازی بر افزایش خودکارآمدی دانش‌آموزان مؤثر است. براساس تحقیقات پژوهشگر متأسفانه در اثربخشی آموزش خودمتمایزسازی بر خودکارآمدی پژوهشی انجام نشده است به جز پژوهشی که توسط فاضلی (۱۳۸۶) با عنوان تأثیر آموزش خودمتمایزسازی بر باورهای خودکارآمدی عمومی زنان صورت گرفته است و نتیجه پژوهش نشان داده است که این شیوه آموزشی در افزایش میزان باورهای خودکارآمدی عمومی زنان مؤثر بوده است.

1. Gianakos, I.  
2. Jenkins, K.E

## روش

## طرح پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از نظر روش یک پژوهش آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است. متغیر مستقل پژوهش آموزش خود متمایزسازی و متغیر وابسته آن میزان خودکارآمدی و متغیر کنترل، جنسیت (دختر)، سن (۱۶-۱۸) و پایه تحصیلی (دوم و سوم) می باشد.

جدول ۱: دیاگرام روش تحقیق

پس آزمون		پیش آزمون	گروه‌ها
T <sub>1</sub>	مداخلات درمانی X	T <sub>1</sub>	گروه آزمایشی RG <sub>1</sub>
T <sub>2</sub>		T <sub>2</sub>	گروه کنترل RG <sub>2</sub>

## جامعه و نمونه آماری

لنت<sup>۱</sup>، براون و هاکت (۱۹۹۴، ۱۹۹۶) نشان داده‌اند که باورهای خودکارآمدی در توسعه مقاصد و علائق دانش آموزان نقش مهمی، ایفا می کنند. بنظر می رسد از رسالت‌های عمده مشترک مشاوران شغلی و تحصیلی پرداختن به امور مؤثر بر آینده کودکان و نوجوانان باشد. لذا پژوهشگر این جامعه را برای انجام پژوهش خود انتخاب کرد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر ۱۶-۱۸ ساله پایه سوم دبیرستان توحید در سال تحصیلی ۸۵-۸۶ بود. برای انجام نمونه گیری ابتدا به وسیله فراخوان از کلیه دانش آموزان علاقمند برای شرکت در یک برنامه آموزشی دعوت به عمل آمد. ۵۶ دانش آموز برای شرکت در این برنامه ثبت نام کردند که از میان آنها ۳۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. پس از انجام نمونه گیری ابتدا از هر دو گروه آزمایش و گواه همزمان پیش آزمون گرفته شد و سپس ۱۰ جلسه آموزش خود متمایزسازی برای گروه آزمایش انجام شد. پس از اتمام جلسات آموزشی گروه آزمایش

1. Lent

برای هر دو گروه آزمایش و گواه پس آزمون اجرا شد و سپس تفاوت نمرات پیش آزمون و پس آزمون هر دو گروه با یکدیگر مقایسه شد تا تاثیر عمل آزمایشی مشخص گردد.

#### ابزار اندازه گیری

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی، پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر بود که توسط شرر<sup>۱</sup> ارائه شده است. این پرسشنامه دارای ۲۳ ماده است که ۱۷ مادهی آن خودکارآمدی عمومی را می سنجد. براتی (۱۳۷۶) پایایی مقیاس خودکارآمدی را از طریق روش اسپیرمن - براون با طول برابر ۰/۷۶ و با طول نابرابر ۰/۷۶ و از روش دو نیمه کردن گاتمن برابر ۰/۷۶ اعلام نمود. آلفای کرونباخ یا همسانی کلی سؤالات برابر ۰/۷۹ بدست آمد. ضریب پایایی از طریق آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس خودکارآمدی عمومی و خرده مقیاس خودکارآمدی اجتماعی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۷۱ برای هر یک بدست آمد (مژدهی، ۱۳۸۱؛ به نقل از مجیدیان، ۱۳۸۴).

برای سنجش مقیاس خودکارآمدی عمومی و امتیازات بدست آمده توسط آن، با اندازه های چندین ویژگی شخصیتی همبسته شد. این اندازه های شخصیتی عبارتند از: مکان مهار درونی<sup>۲</sup>، صلاحیت بین شخصی<sup>۳</sup>، نیرومندی من<sup>۴</sup>، عزت نفس، جرأت ورزی، خصیصه های شخصیتی نرینه<sup>۵</sup> و همسازی هیجانی<sup>۶</sup> (شرر و همکاران، ۱۹۸۲؛ به نقل از مجیدیان، ۱۳۸۴). همبستگی بدست آمده بین نمرات مقیاس خودکارآمدی و دیگر اندازه های شخصیتی در جهت تأیید روایی سازه ای مقیاس تهیه شده صورت گرفته است. براتی (۱۳۷۶) در یک پژوهش برای بدست آوردن اعتبار سازه ای<sup>۷</sup> آزمون، این آزمون را همراه با آزمون دیگری به نام مقیاس عزت نفس روی یک گروه ۱۰۰ نفری انجام داده است و همبستگی ۰/۶۱ را گزارش کرده، که در سطح ۰/۰۵ معنی دار است. در نمره گذاری

1. Sheer, M
2. Internal locus of control
3. Interpersonal competency
4. Ego strength
5. Masculine personality characteristic
6. Emotional adjustment
7. Construct validity

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی به هر ماده از یک تا پنج امتیاز تعلق می‌گیرد.

### یافته‌ها

برای آزمون فرضیه از آزمون t برای گروههای مستقل استفاده شد.

جدول ۲: مقایسه میانگین، انحراف معیار و خطای معیار مرحله پیش آزمون و پس آزمون در گروه آزمایش و گواه

مرحله	گروهها	تعداد N	میانگین Mean	انحراف معیار Deviation Std.
پیش آزمون	گروه آزمایش	۱۵	۴۷/۸۵	۱۰/۶۲
	گروه گواه	۱۵	۴۱/۷۶	۱۱/۵۰
پس آزمون	گروه آزمایش	۱۵	۳۵/۵۶	۷/۰۲
	گروه گواه	۱۵	۴۷/۸۵	۱۰/۴۲

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که میانگین نمرات گروه آزمایش و گواه به ترتیب ۴۷/۸۵ و ۴۱/۷۶ و انحراف معیار آنها به ترتیب ۱۰/۶۲ و ۱۱/۵۰ است. برای اطمینان از عدم تفاوت معنادار بین میانگین‌ها در مرحله پیش آزمون، آزمون t برای گروههای مستقل محاسبه شد زیرا انتظار می‌رود که بین میانگین نمرات گروه آزمایش و گواه در مرحله پیش آزمون تفاوت معنادار وجود نداشته باشد.

جدول ۳: آزمون t در مرحله پیش آزمون گروههای آزمایش و گواه

نسبت t	Df درجه آزادی	سطح معناداری p
۱/۵۳۶	۲۸	۰/۱۲۴

با توجه به این که مقدار t بدست آمده ( $t=۱/۵۳$ ) کوچکتر از t جدول شده است، می‌توان نتیجه گرفت قبل از اجرای متغیر مستقل بین خودکارآمدی گروههای آزمایش و گواه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۴: آزمون t برای تفاوت نمرات افتراقی در گروه آزمایش و گواه

Sig(2-tailed) سطح معناداری p	Df درجه آزادی	نسبت t	
۰/۰۰	۲۸	۵/۶۷	تفاوت نمرات در مرحله پیش‌آزمون دو پس‌آزمون

### بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود با توجه به این که t محاسبه شده ( $t=5/32$ ) جدول بزرگتر است فرض صفر رد می‌شود و تفاوت بین میانگین‌ها معنادار است. با توجه به معنادار شدن تفاوت دو میانگین با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت آموزش خود متمایزسازی بر افزایش خودکارآمدی دانش‌آموزان مؤثر است. هر چند در بررسی‌های محقق پژوهش مستقیمی درباره موضوع اثربخشی آموزش خود متمایزسازی بر افزایش خودکارآمدی یافت نشد، از پژوهش‌های مرتبط با مفهوم دل‌بستگی که بعضی آن را مترادف خود متمایزسازی دانسته‌اند استفاده کرده‌ایم. در پژوهشی بلاستین و فیلیپس در سال ۱۹۹۰ رابطه‌ی مثبت و معناداری بین سبک‌های دل‌بستگی و داشتن خودکارآمدی گزارش کرده‌اند (نیلز و همکاران، ۱۹۹۷). به علاوه لوپز دریافت که جدایی تعارض‌آمیز از والد جنس مخالف که می‌توان آن را با مفهوم گسستگی باون هم معنا فرض کرد، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده احساس خودکارآمدی است که هماهنگی با یافته‌های پژوهش است. با توجه به نوع ارتباط منطقی که بین مولفه‌های خود متمایزسازی و عوامل مؤثر بر خودکارآمدی وجود دارد، نتیجه‌ی حاصل به نظر قابل قبول است. با توجه به نظر بندورا که معتقد است رفتار آدمی عمدتاً یک رفتار خودنظم‌دهی است و میزان اطمینان فرد به خودکارآمدی اوست که معین می‌کند آیا در آینده با موقعیت‌های مشکل‌کنار خواهد آمد یا نه (بندورا، ۱۹۷۷) و از طرف دیگر پژوهش‌ها نشان داده‌اند افرادی که می‌توانند افکارشان را از احساس فعلی‌شان به خوبی متمایز کنند، می‌توانند هیجانات خود را تنظیم کنند و به مفهوم نسبتاً ثابت و روشنی از خود دست یابند و قادرند آشکارا اندیشه‌های



شخصی خود را بیان کنند (کیم، ۲۰۰۵) بنابراین با بررسی تجربیات گذشته که با توجه به تسلط طلبی‌ها و احتیاط‌های حساب نشده و نابجا فرد را از شناخت و باور توانمندی و کارآمدی خود بازداشته است بینش جدیدی در فرد ایجاد می‌شود که می‌تواند احساس خودکارآمدی را در فرد افزایش دهد. تجارب کاوشگرانه شیرخوارگان - که توسط آن درمی‌یابند خودشان هستند که با اعمالشان نتایج را ایجاد می‌کنند - پایه آغازین رشد احساس کارآمدی را فراهم می‌کند. تکان دادن یک جغجغه صدای قابل پیش‌بینی تولید می‌کند و جغجغهایش باعث می‌شود تا بزرگترها به سراغش بروند. با تکرار این مشاهدات، نوزادان یاد می‌گیرند که اعمال آنهاست که این اثرات را تولید می‌کند. نوزادانی که موفقیت را در کنترل رویدادهای محیطی تجربه می‌کنند به رفتارشان دقیق می‌شوند و در یادگیری پاسخهای کارآمد جدید مطمئن‌تر می‌شوند و اما رشد احساس کارآمدی شخصی، مستلزم چیزی بیشتر از فراهم آوردن اثرات به وسیله اعمال است. این اعمال به عنوان بخشی از خود فرد دریافت می‌شود. خود از طریق تجربه متفاوت از دیگران متمایز می‌شود. خوردن برای خود فرد آرامش می‌آورد اما مشاهده خوردن دیگران چنین احساسی را ندارد. بدین ترتیب فعالیت شخصی فرد از دیگر اشخاص متمایز می‌شود. افراد با تکیه بر تجارب اجتماعی و شخصی بازنمایی نمادین از خودشان را به عنوان یک فرد متمایز شکل می‌دهند (بندورا، ۱۹۹۷). مفهوم تمایز یافتگی تأثیر الگوهای خانوادگی بر مسیر رشد و سلامت فردی و میزان توانایی فرد برای خود مختار بودن، پذیرش مسئولیت فردی مناسب سن خود و تجربه کردن خود به عنوان شخصی که می‌تواند جدای از دیگران منشأ اثر باشد را نشان می‌دهد (باون، ۱۹۷۸؛ اسکورن و همکاران ۲۰۰۳، به نقل از پاپکو، ۲۰۰۴). کسانی که به سطح تمایز یافتگی مناسبی دست یافته‌اند به آسانی تحت تأثیر فشارهای دیگران جهت شرکت جستن در اضطرابشان قرار ننگرفته و ضمن روشن کردن مرزهای خود با دیگران، حیطه کنترل خود را مشخص می‌کنند. در هر لحظه با تشخیص موقعیت خود، سعی در کنترل خود دارند و تمایل کمتری به کنترل دیگران نشان می‌دهند، از این رو با اعتماد به نفس بالا و قدرت تفکر، کنترل زندگی و افکار و باورهای خود را به دست می‌گیرند. افراد با درک همخوانی افکار و احساس و رفتار خود به یکپارچگی دست می‌یابند. در واقع

احترام به خود زمانی معنا می یابد که باورها و اعمال فرد در یک راستا باشد، می توان با روشن نمودن نقاط قوت و ضعف خود و پذیرفتن صفات خود به عنوان جزء وجودی مان، به این نتیجه دست پیدا کنیم که هر چه شناخت و آگاهی ما نسبت به خودمان بیشتر باشد به همان نسبت می توانیم از ظرفیتهای نهادی خود بهره ببریم، لذا طبیعی است که انتظار داشته باشیم آموزش خود متمایزسازی که فرد را به تفکیک احساسات و افکار ترغیب می کند بتواند میزان باورهای خود کارآمدی افراد را افزایش دهد.

### منابع

مجیدیان، فرزاد. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای خود کارآمدی و سخت رویی با استرس شغلی مدیران مقطع متوسط شهر سنندج. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.  
مژدهی، محمدرضا. (۱۳۸۲). مقایسه باورهای خود کارآمدی دانش آموزان پسر شاخه نظری، فنی و حرفه ای و کار و دانش. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Bandura, A. (1977). *Self- efficacy: toward a unifying theory of behavior change*. Psychological Review, 84, pp. 139-145
- Bandura, A. (1994). *Self-efficacy*. In V.S.Ramchandran (Ed.), Encyclopedia of human behavior (vol.4, pp. 71-81). New York: Academic press. (Reprinted in H. friedman [Ed.] Encyclopedia of mental health. San Diego: Academic press, 1998).
- Carcia, J.N.& De Caso, A. M. (2006). *Changes in writing self- Efficacy and writing products and processes through specific training in the self – efficacy beliefs of students with learning disabilities*. A. Contemporay Journal.
- Flammer. (1995). *Developmental analysis of control beliefs*. In A Bandurs (Ed). Self- efficacy in changing societies. pp. 69-113: Cambridge university press
- Floyd, T (2003). Family dysfunction attachment and Career decision- making self efficacy among college student. Proquest dissertation and theses.
- Jenkins, K.E. (2004). *The inFluence of parental attachment, genda, and academic major choice on Career decision – making Self-efficacy of First- year African American college students*. The pennsy lvania state university, 123 pages. Proquest Dissertation & theses.
- Kim, K.S. (2005). *Self- differentiation, perceived Family Canflict, and cultural values among Asian Amen can college students*. Colombia university. Proquest dissertation & theses.
- O' Brien, K., Friedman, S.m., Tipton, L.& Linn, S.G (2000). *Attachment separation & women vocational development*: Journal of Counseling psychology, 47 (3), 301-315
- Pajares, F. (2002). *Gender and perceived self- efficacy in self- regulated learning*.

Theory into practice, Spring 2002, Vol. 41, Issue2.

Romano, J.L. (1996). *School personnel prevention training: A measure of self-efficacy*, Journal of Education Research's Sep/ Oct 96, Vol. 90, Issue 1.

Rush, L.C. (2002). *Family relationship dynamics and the career decision- making self- efficacy of African- American College students*. The ohio state university. p



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی